

کارگردانی فیلم

وظیفه کارگردان

بعد از اینکه ستاره‌بوی یک فیلم به کارگردان پیشنهاد شده که از روی آن فیلمی بسازد، دو کوبیاز فیلش بران تنظیم میکنند. در یک کلمه میتوان گفت دو کوبیاز همانند است از چه به داستان فیلم به «پلان» در هر پلان وظیفه بازیگر را چه از نظر حرکت و چه از نظر سخنانی که باید بگوید هم چنین وظیفه دوربین و حرکت و مختلفی را که باید انجام دهد به دست تعیین میکنند و مقابل هر پلان شماره آن را می‌کشند و دو کوبیاز نویسی تنها یک فورمالته نیست بلکه ترکیب پلانها پشت سر هم و انتخاب رتبه‌بندی دور

شرایط و فوایدی در این کار وجود دارد که باید یاد دهم از سر عالی، تا در زیر دست کارگردانان با نام و تجربه و آموخت و اگر نه باید گفت همانطور که در مقابل موسیقی‌دان، مطرب و دور بر این غایت بازیگر وجود دارد در مقابل کارگردان هم یک کارپرداز پیدا میشود، که کار تهیه یک فیلم و نورپردازی و مچر خانه و تونل آن‌ها در دنیا زیادند در ایران هم پیدا میشود - کارگردانی که امروز استفاده از دوربین فیلمبرداری، مونتاژ و سایر دست‌مهاست یک فیلم را آماده و شناسد نمیتواند کارگردان شمرده شود.

از زائیده دور دورین علاوه بر یک پیش نیست. در آناری که توسط همه موجود می‌باشد پلان یک بنای پایه، یک لایحه، یک نقشه، یک فیلم خوب، سازندگان حقیقی آن آثار ما، آرتان ما، آهنگ ساز و کارگردان بوده‌اند. مهندس ساختمان و کارگردان و نوازنده گان از کستر، متخصصین فنی و بازیگران در واقع هنکاري بوده‌اند که در تجسود مرفی اثر با سازندگان حقیقی کمک کرده‌اند.

یک نخل زیا ساخته طبع شاعر است کسی که آنرا خروجهایی و چاپ و منتشر می‌کند در ساختن آن شرکت نداشته‌اند بطوریکه در بالا اشاره شد در ساختمان یک فیلم سینما هم‌راهی شرکت می‌کنند که وجود همه آنها لازم و گرانها است اما کارگردان سازنده حقیقی فیلم است. اوست که با تنظیم یک دور کوبیاز از یک داستان، به زمان و مکان بچنان آن روح به هم دور زمان و مکانی بوجود می‌آورد که خاص سینما است. ماروی فیلم‌هایی که کارگردان ساخته (۱) و با از «مخسنان» آن کارگردانی دست چینی (۲) است بحث نمی‌کنیم چون چنین فیلم‌هایی نمیتواند اصلا، فیلم، یعنی حقیقی آن شمرده شود. ما از فیلمی صحبت می‌کنیم که سواقی نواد و سلولویف حاوی مقداری تصاویر بود چه دارای نکاتی منطبق با علم کارگردانی باشد.



گفتم علم کارگردانی، آدی، امروزه در سال‌خست سال، پس از جهانی که دوره ایس گر بلیت چاپلین در دهه کفر افلاکونی، از پشتین و سایرین کشیده‌اند مقررات و نواهی سخت هستند، بدون کرده‌اند و آن‌ها به بعضی کارگردانی و از مرز خط دیگری شد. و نیاز است کسانی که در خودتون و میل و ابتکار و اسراع میکنند علم آرا هم بیاموزند تا بتوانند از دور خود بهترین صحنه و اصولی استفاده کنند.

خواندن چند مقاله یا کتاب و جزوه به زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی و عربی و ترکی و هندی در مورد آنکه کارگردانی چیست یا ... چگونه کارگردانی می‌کنند، نمی‌تواند کسی را کارگردان کند و نه اصلا به کسی صفا بیاموزد که کارگردانی چیست. گفته‌ایم دوربین را در گوشه نهادن و به بازیگر آن دستور دادن کارگردانی نیست.

فیلم و استتیک

علم شناخت هنر (استتیک) دارای مفروضات منتهی است؛ یکی از این مفروضات برای کودک تکلیف و تعمق در باره آنچه که مورد بررسی این علم قرار میگیرد، عبارت است از: منه تطبیقی. بلكه موضوع را که مورد بحث در هنرهای مختلف قرار میگیرد باید نسبت بهم نتیجه بلكه داستان شاهنامه مثلا در میزانم بیزن بتواند سوزهای برای هنرندان مختلف کرده بلكه غناش با رنگها و قلم و مویش آنها از روی باره به جسم می کند بلكه مجسمه ساز با مهره یا برنیل پیگیری از آنان میسازد، آهنگساز با وسایلی که (هنرموسیقی) دودست دارد احاطات و حالات آنرا مجسم می کند، شاعر و نویسنده هر یک بطرزى آنرا مسود و بحث قرار میدهند، آثار نویسنده هر یک از آنها بیان میسازد و کارگردان فیلم بلكه وسایلی دیگری بطرزى خاص خود این قهرمانان و حوادث آنرا معرفی می کند.

آنچه که ذکر کردیم برای آشنائی پیش نسی در کشورهای دیگر این مثل صورت حقیقت گرفته و سوز و احساسی با وسایلی بیان هنری مختلف روی باره؛ در هر مری روی کلمه، در واقع موسیقی و روی فیلم انجام یافته است.

ما اینجا میخواهیم مثال دیگری در مورد دو هنر از بلكه هسته می آوریم و آنرا هم به سبب این دو هنر عبارت است از نقاشی و مجسمه سازی، هر دو هنر «بلكه» هستند، فرض میکنیم بلكه سخن بر فضا زن با تمام طاقا بهایش روی بلكه باره تا لگو یا در زرق و زهر مجسم شده است تا لگو را از هر سمت نگاه کنیم منظوره تر یا واضحی را به چشمان ما ارائه میدهد و لسی به نسبت عدم محسوس یعنی برجستگی نوری که از پنجره روی آن میتابد خیرری در نمایش آن نتیجه اما بلكه مجسمه زن برهنه اینطور نیست از هر زاویه ممکن است منظوره دیگری نیز ارائه دهد و نیز نمایش نوری در معرفی آن ولی انجام میدهد.

این مثال برای ما این نکته را روشن می سازد که اولاً آثار هنری در شرایط و اوضاعی ما ارائه نمیشود و هر کدام از توفیق و شرایط خاصی بخت می کند تا با اینکه برای مجسم هر کدام از این آثار مواد و وسایلی بیان مختلفی بکاررفته است. از آنچه که گفتیم نباید این نتیجه را گرفت که منظوره هدف، ستایش ارزش هنرها با یکدیگر است هدفی از استتیک در آن مقابله ارزش هنرها را با هم کاری بر مود دانسته و علاقتندان این حرفه را از ابتکار نمی کرده اند هیچ هنری بهتر و بالاتر از هنر دیگر نیست، ارزش هر هنر با پیشی در کار مشخص و مستقل خود تعین شود.

در مقالات پیشی می خواهیم کرد که فیلم و با هنرهای دیگر سنجیم و در آن بخش سعی کنیم وسایلی بیان و قدرت خلاصه و وجوه نمای آنرا با وسایلی بیان هنرهای دیگر مشخص سازیم.

بلكه دکویلا جنبه هنری آنرا بسجود می آورد، و گرنه با مراجعه بلكه دکویلا میتوان شکل نوشتن آنرا آموخت و در کویلا نوشتن، دوستمنش استتیک بیان و نت ساختن است که اولی مستلزم داشتن اطلاع در مورد هر شرطی داشتن اطلاع بر هنر است برای اینکه کسی بتواند دکویلا بنویسد باید از زبان و فنی دور بین، مونتاز اطلاع داشته باشد - کارگردان دکویلا فیلش را، مینویسد و اگر نوشتن دکویلا را بلد نبود کارگردان نیست در بلكه کلمه دیگر میتوان گفت که دکویلا عادت است از قبل در روز کلمه به سبب بلكه کارگردان این فیلم از روی کلمه بروی نوار سلولویه منتقل میگردد، تازه دکویلا مستقیماً مثل فیلم نیست بلکه از روی آن بلكه در شرحه استتیک (دبوی مان) تنظیم میگردد و در این در شرحه جدید شخص کارگردان بلكه دستیار او کلمه صحنه های را که در بلكه کلمه تهیه میشود و نیز پلانهای که در بلكه زاویه فیلش را می بگرد - و لو آتکنه در فیلم پشت سر هم چسبیده نشود، با هم بلكه جمع بلكه نمایش سر هم فیلش را می نماید و بلكه با جهت انجام میگردد تا تهیه فیلم بهتر و سریعتر پیش رود و وقت قبول پیوره مصرف نگردد، کارگردان در هنگام کار باید تصمیم لازم را در عمل فیلش را می (پلانو) منتظر سازد و در نهایت کلمه بین بازیکنان و جهت فنی فیلم وجود آورد، حرکات دوربین و نور و صحنه را برای فیلش را شرح دهد، بازی ها را هم جهت آنروزها بیان کند.

پس از آنچه که گفتیم چنین نتیجه میگیریم که شخص کارگردان باید علاوه بر ذوق و هنر دارای حسی باشد که با آن علم حسه اکثر استفاده را از ذوق و هنر ذاتی خویش بسازد پسند، هنری است که میتواند در اختیار هنرهای دیگر قرار گیرد و با از هنرهای دیگر برای خود استفاده کند، پس بلكه کارگردان فیلم باید با حد و حدودی اطلاع لازم در مورد سایر رشته های هنری باشد، در شناسائی موسیقی و نقاشی و ادبیات و تئاتر بهره کافی داشته باشد، در شناسائی بدانه تا بتواند روحیات متعلق با محیط و محیط متعلق با روحیات بویژه آورد، دانستن تاریخ تمدن و سبک لباس و آرایش از مشخصات کار اوست، اگر در جسم این نکات هنری در اطلاعات خود داشت باید نورا با بلكه کارشناس مربوطه مشاوره عمل آورد. اگر تمام این مرایا در واقع بویژه میتوان گفت که وی خالق آثار سینمایی به معنی کامل است.